

واقعه غدیر در آینه اشعار سیدحمیری

مهین حاجی‌زاده*

چکیده

شعر و ادبیات هر قوم آینه افکار، باورها، و گرایش‌های آن است. نماد تفکر، اعتقادات، و فرهنگ مکتبی شیعه نیز در آینه ادبیات آیینی شاعران ولایی شیعی متجلی است. از آن‌جا که غدیر نماد تشیع است، چندان هم گرافه نیست اگر شعر غدیر را با شعر شیعی هم‌خانواده و هم‌سو به‌شمار آوریم. چراکه شعر شیعی نشئت گرفته از باورهای ناب معتقدان به ولایت علوی است و آبراهه زلال و پایان‌ناپذیر آن غدیر خم است. در میان وقایع اسلام، تنها واقعه غدیر است که از همان لحظات وقوع، قطعه شعری به‌مثابه سند دائمی ضمیمه آن است. شعر باوزن و قافیه آن مدرک ماندگاری در پرونده غدیر است که سینه‌به‌سینه حفظ شده و با توجه به اهمیت ادبی آن در کتاب‌ها ثبت شده است. ادبیات عرب نیز، که بعد از اسلام، راهی دراز پیموده و پانزده قرن فرازونشیب‌ها را پشت سر گذاشته است، خطوط روشنی را در خلال مضامین شعری خود نشان می‌دهد. یکی از این خطوط روشن، توجه به واقعه غدیر است که در شعر اکثر شاعران عرب متجلی است. سیدحمیری یکی از شعرای بزرگ اهل بیت است که درباره غدیر اشعار بسیاری دارد. وی با بهره‌گیری از ذوق و قریحه ناب خود، چکامه‌های زیبا و ماندگاری در توصیف مقام شامخ و فضایل اخلاقی امام علی (ع) و به‌ویژه واقعه غدیر خم از خود به یادگار گذاشته است. این شاعر مشهور شیعی با بیت بیت اشعار خود، حقانیت علی و خاندانش را یادآوری کرده و منکران آفتاب آسمان ولایت را به زانو درآورده است. مقاله حاضر بر آن است تا این رویداد عظیم تاریخی (غدیر خم) را در خلال اشعار سیدحمیری به‌تصویر کشد.

کلیدواژه‌ها: غدیر خم، علی (ع)، ادبیات عربی، شعر شیعی، سیدحمیری.

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان hajizadeh_tma@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۲۵

مقدمه

سراسر حیات طیبۀ رسول اکرم (ص) و لحظه به لحظه آن نزد مسلمانان اهمیتی بس شگرف و والا دارد؛ چراکه نه تنها کلام رسول اکرم به نص صریح آیات قرآن، عاری از هرگونه هوا و هوس و متصل به سرچشمه وحی است، بلکه عمل آن بزرگوار نیز بر تک تک مسلمانان حجت است و صراط مستقیم را به عالمیان می نمایاند. اما در این میان، مقاطعی خاص از زندگی آن بزرگوار، به جهات گوناگون از اهمیتی ویژه برخوردار است که یکی از بارزترین آنها، واقعه غدیر خم است.

از منظری دیگر، آنچه بر گونه غدیر رنگ جاودانگی می زند و اهمیت این واقعه را مضاعف می سازد نزول آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده در ارتباط با این رویداد بزرگ است. طبق نظر مفسران نام آور شیعه و سنی، شأن نزول این آیات مربوط به واقعه غدیر خم است. با مقایسه مفاد این آیات و لحن آنها با سایر آیات قرآن کریم درمی یابیم که، اگر نگوییم چنین آهنگ کلامی در میان سایر آیات بی نظیر است، دست کم، کم تر آیه ای را می توان یافت که مضامین و لحنی شبیه به این دو آیه داشته باشد.

در گذر قرون و اعصار، رویداد پرافتخار غدیر از موضوع هایی است که شاعران و سرایندگان اندیشمند و چیره دست، از مذاهب گوناگون درباره آن قصیده هایی زیبا و دل انگیز سروده اند. این اشعار همواره زینت بخش نشست های دینی، فرهنگی، و اخلاقی بوده است و دوست داران امامت و ولایت غدیر را هر بامداد و شامگاه زمزمه کرده اند و بدان مترنم شده اند. در طی تاریخ نیز، در کنار اسناد و مدارک حدیثی و تاریخی، شعر غدیر، که شعرای قرن های گوناگون سروده اند، در حفظ این ماجرا اثر بسزایی داشته است. در طول چهارده قرن مسئله غدیر نه فقط در اشعار عربی، بلکه در اشعار فارسی، ترکی، اردو، و بسیاری از زبان ها به نظم کشیده شده است.

عالم محقق، آیت الله علامه عبدالحسین امینی (۱۳۲۰ - ۱۳۹۰ ق)، در کتاب ارزش مند *الغدیر*، به ادبیات عرب با تکیه بر واقعه غدیر نگریسته و یافته های پژوهش خود را در این کتاب ثبت کرده است. نویسنده کتاب *الغدیر* بارها اشاره می کند که در خلال منابع و آثار اسلامی، اشعاری از شاعران قرن های گذشته در مورد غدیر یافته است که به علت این که شاعر گمنام بوده یا شرح حالی از او نیافته، شعر او را نقل نکرده است. از این جمله برمی آید که تعداد شاعران غدیر بیش از آن است که در این کتاب یاد شده است.

اولین قدم در این زمینه را حسان بن ثابت، شاعر زبردست عرب، برداشت که با اجازه

پیامبر (ص) لحظاتی پس از خطابه آن حضرت اشعاری را که درباره غدیر سروده بود، در حضور مردم خواند. عده‌ای از علمای بزرگ نیز که قریحه شعری داشته‌اند، اشعار رسایی درباره غدیر سروده‌اند که از جمله آنان می‌توان به قیس بن سعد انصاری، شریف رضی، سیدمرتضی، قطب راوندی، حافظ برسی، شیخ کفعمی، شیخ بهایی، شیخ کرکی، شیخ حر عاملی، سیدعلی خان مدنی، و آیت‌الله کمپانی اشاره کرد. شعرای زبردستی چون دعبل خزاعی، ابن رومی، وامق نصرانی، حمانی، تنوخی، ابوفراس حمدانی، بشنوی کردی، کشاجم، ناشی صغیر، صاحب بن عباد، مهیار دیلمی، ابوالعلاء معری، اقساسی، ابن عرندس، ابن عودی، ابن داغر حلّی، بولس سلامه مسیحی، و زین‌الدین حمیدی در زمره دیگر شاعرانی هستند که درباره غدیر شعر سروده‌اند.

از برجسته‌ترین این شاعران، سید حمیری، شاعر بلندآوازه قرن دوم هجری، است که «خوان پربرکش همه‌جا گسترده و باد صبا بوی عطرآگین معرفتش را همه‌جا پراکنده بود. چنان شیفته امام علی (ع) بود که مانند شمع، سوز دل و اشک روان داشت و همیشه مشتاقان ولایت و محبت حضرت علی (ع) بر خوان پربرکش لقمه‌های نور می‌خوردند و برای دوستان به ارمغان می‌بردند. او کلام مقدس را در قالب نظم دل‌پذیرش همه‌جا می‌برد و دل‌های پاک را حیات طیبه می‌داد» (موحد، ۱۳۸۴: ۳). او فقط شاعر نبود، بلکه محدثی بود که به نشر نور می‌پرداخت و با شعر هدف‌دار خویش به انتشار فضایل و مناقب امام علی (ع)، آن عدالت‌مطلوم و امام معصوم، نور بیش‌تر می‌بخشید و فرات فضیلت‌ها را تا فراسوی فرادها گسترش می‌داد و در این سیر و سلوک روحانی به ملامت هیچ ملامت‌گری اعتنا نمی‌کرد. این جستار، با روشی توصیفی، سعی دارد تا جایگاه غدیر را در اشعار سیدحمیری بررسی کند. ابتدا، نگاهی گذرا به زندگی‌نامه شاعر می‌اندازیم، سپس به اختصار ویژگی‌های شعری و مقام شاعری او را بررسی می‌کنیم و در ادامه با ارائه نمونه‌هایی از اشعار شاعر، این واقعه بزرگ تاریخی را به تصویر می‌کشیم.

۱. زندگی‌نامه سیدحمیری

ابوهاشم یا ابوعامر سیداسماعیل، فرزند محمد بن یزید بن ربیع حمیری، مشهورترین شاعر شیعه عرب، در ۱۰۵ ق در عمان، که امروز پایتخت اردن است، به دنیا آمد. تولد او در زمان امام باقر (ع) بوده و زمان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) را درک کرده است. نسب او به قبیله حمیر می‌رسد که در اصل یمنی بودند و در شام سکونت داشتند. او از سادات و

هاشمیان نبود و سید جزء نام او بود. جد پدری یا مادری او یزیدبن زیاد، معروف به ابن مفرغ، شاعری بزرگ بود. به گفته طه حسین «پدر و مادر سید از خوارج و اباضی مذهب، یعنی دشمن علی (ع)، بودند و هر روز بعد از نماز صبح حضرت را سب و دشنام می دادند، باین حال، او از جوانی به تشیع گرایید و طبع خدادادی اش را در سرودن مدایح اهل بیت، مخصوصاً بیان مناقب امیرالمؤمنین به کار انداخت و شاید شیعیان علوی شاعری هم چون سیدحمیری را در کل حیات سیاسی شان ندیده اند» (حسین، ۱۹۸۲: ۲/۳۱۳). پدر و مادرش اصرار داشتند که به مذهب خوارج برگردد. خود سید در این باره می گوید: «در خردسالی و نوجوانی همواره شاهد سب امیرالمؤمنین توسط پدر و مادرم بودم و برای اجتناب از رویارویی با چنین صحنه هایی از خانه بیرون می رفتم و در مساجد می ماندم و تحمل گرسنگی را بر بازگشت به خانه ترجیح می دادم تا این که قدری بزرگ تر شدم و به سرودن شعر پرداختم» (مرزبانی، ۱۴۱۳: ۱۵۴).

سیدحمیری به حسب ارادت و اخلاص به دستگاه اهل بیت عصمت و طهارت، از جانب ایشان افتخار خدمت گزاری آستان مقدسشان را یافته است و بدین سبب او را سیدالشعراء نامیده اند، همان طوره که امام صادق (ع) به سیدحمیری فرمود: «سمتک أمک سیداً، و فقت فی ذلک و أنت سید الشعراء: مادرت تو را سید نامید و تو شایسته چنین نامی هستی آری، تو سید شعرای» (امینی، بی تا: ۲/۲۳۲).

۲. تجلی فضایل علی (ع) در اشعار سیدحمیری

سیدحمیری طبعی روان داشت و در کثرت اشعار آن چنان ممتاز بود که ابوالفرج اصفهانی می گوید:

پرشعرتین شاعران از جاهلیت تا اسلام سه نفر بودند که سیداسماعیل یکی از آنان بود. اسماعیل حمیری از قرآن، حدیث و فقه، تاریخ اسلام و سیره رسول خدا و علی (ع) و ائمه اطهار اطلاع کافی داشت و تقریباً تمامی احادیثی را که در مناقب علی (ع) و نکوهش مخالفان اوست، در اشعار خود گنجانده است. او دلایل خلافت و ولایت امام علی (ع) و اثبات عقاید شیعه و ابطال حرف های مخالفان و غاصبان حقوق اهل بیت پیامبر (ص) را با زبانی تند آمیخته و با توکی و تبرئی صحیح بیان کرده است. او در اشعارش بنی امیه را مذمت کرده است و مدّاح بنی هاشم و مدافع بنی عباس و خلفای آنان بود. از این رو، از آسیب متعصبان اهل سنت در امان بود و رهبران شیعه و امرا و خلفای عباسی هم از او تقدیر و طرفداری کرده اند (اصفهانی، بی تا: ۷/۲۳۱).

از خصایص سیدحمیری، شیفتگی‌اش به اهل بیت بود تا جایی که دوست نداشت غیر از ذکر نام ایشان کلامی بشنود. ابن معتر در کتاب *طبقات* می‌گوید:

سید تواناترین افراد در به‌شعردرآوردن احادیث، اخبار، و مناقب بود و فضیلتی از علی بن ابی‌طالب (ع) نبود که آن را به شعر درنیاورده باشد. وی از حضور در انجمنی که در آن از خاندان محمد (ص) سخن به‌میان نمی‌آمد، رنج می‌برد و با محفلی که از یاد آنان خالی بود، انسی نداشت (ابن معتر، ۲۰۰۲: ۶۵).

او با طبع لطیفی که داشت، ماهرترین مردم و آگاه‌ترینشان به ارائه مناقب اهل بیت بود و هرگونه فضایی که از امیرالمؤمنین (ع) می‌شنید، در شعرش ثبت می‌کرد و به رشته نظم می‌کشید. در این باره می‌گوید:

أیارب إنسی لم أرد بالذی به مدحت علیا غیر وجهک، فارحم

(الکهنوی، ۲۰۰۸: ۹)

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین موضوعات اشعار سیدحمیری، شرح فضایل امام علی (ع) است. مثلاً، شاعر این سخن پیامبر اکرم (ص) را درباره علم علی (ع) که فرموده: «أنا مدینة العلم و علی بابها فمن أراد العلم فلیأت بابها» (ابن اثیر، بی‌تا: ۴ / ۲۲) این‌گونه به‌نظم درمی‌آورد:

من کان باب مدینة العلم الذی ذکر النزل و فسر الأنباء

من کان أخطیهم و أنظفهم و من قد کان یتسفی قوله البرحاء

(حمیری، بی‌تا: ۵۸)

در این ابیات، با اشاره به حدیث پیامبر، از صنعت تلمیح استفاده شده است و واژه‌ها آن‌قدر ساده، اما با بار معنایی زیاد در کنار هم قرار دارد که ذهن خواننده را از هرگونه ابهامی حفظ می‌کند. سیدحمیری در بیت دوم از این ابیات، امام علی را سخنورترین افراد معرفی می‌کند و *نهج‌البلاغه* بهترین شاهد بر این حرف سید است؛ زیرا حضرت علی (ع) صاحب بلاغت جاهلی و سحر بیان نبوی بود به‌گونه‌ای که برخی معتقدند کلامش پایین‌تر از کلام خدا و بالاتر از کلام مخلوق است و جای شگفتی نیست که در سخن امام علی (ع) همه آن‌چه از علوم برای اهل بلاغت لازم است، جمع شده باشد.

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته امام علی (ع) شجاعت بی‌نظیر او در مواضع مختلف بود که سیدحمیری در ابیات متعددی آن را به‌تصویر کشیده است، از جمله:

من کان اول من اباد بسيفه کفار بدر و استباح دماء
 من ذاک نوّه جبرئیل باسمه فی یوم بدر یسمعون نداء
 لا سيف إلا ذوالفقار و لافتی إلا علی رفعة و علاء

(همان: ۵۴)

این ابیات اشاره به جنگ بدر دارد که نقل شده است امام علی (ع) در آن ۲۷ نفر از سربازان دشمن را به قتل رساند، درحالی که مجموع کشته شدگان در این جنگ هفتاد نفر بودند. امام علی (ع) با دلاوری شگفت‌انگیزی، پیروزی نهایی را به دست آورد و سرود معروف جبرئیل طنین انداخت که فرمود: «لا سيف إلا ذوالفقار و لا فتی إلا علی» (قمی، بی تا: ۲/ ۳۸۰). سیدحمیری در بیت اول از صنعت تلمیح و در بیت آخر از صنعت تضمین استفاده کرده است.

شاعر هم‌چنین در ابیات متعددی، عدالت امام را به بهترین و زیباترین شکل به تصویر می‌کشد:

و قوله المیزان بالقسط و ما غیر علی فی غد میزانه
 ویل لمن خفّ لדיه وزنه و فوز من أسعده رجحانه

(حمیری، بی تا: ۴۱۳)

حمیری عدالت امام را تاحدی می‌داند که او را در قیامت قاضی و داور اعمال انسان‌ها معرفی می‌کند، یعنی اعمال انسان‌ها در روز قیامت با عدالت علی (ع) محاسبه می‌شود؛ زیرا او ترازوی عدالت است و سخن او سخن حق و عدالت است تاجایی که خداوند او را حجت امت رسول خود قرار می‌دهد.

هم‌چنین در مورد کرم امام می‌گوید:

وأعتق من یدیه ألف نفس فاضحوا بعد رقّ معتقینا

(همان: ۴۳۴)

این بیت از سیدحمیری تلمیح به روایتی است که امام صادق فرمود: «همانا امیرالمؤمنین هزار نفر را با دست رنج و کد یمین خود آزاد کرده است» (ابن شهر آشوب، بی تا: ۲/ ۱۲۳).

حمیری ایمان بی‌بدیل امام علی (ع) را نیز این‌گونه به نظم درمی‌آورد:

أليس على كان أول مؤمن و أول من صلی غلاماً وحّدا
فما زال في سرّ، يروح و يغتدي فيرقى بشور أو حراء مصعدا
يصلّي و يدعو ربّه فهما به مع المصطفى مثني و إن كان أوحدا

(حمیری، بی تا: ۱۶۶)

شاعر در این ابیات با اسلوب استفهام انکاری اشاره می‌کند که اولین ایمان‌آورنده به رسول خدا امیرالمؤمنین (ع) بود. او با این که نوجوانی بیش نبود، یگانگی خداوند را پذیرفت و نماز به‌جا آورد. بیت دوم به عبادت پیامبر در کوه ثور یا حراء اشاره دارد که امیرالمؤمنین نیز همراه پیامبر در آن‌جا به عبادت خداوند مشغول می‌شد.

۳. واقعه غدیر در آئینه اشعار سیدحمیری

«غدیر خم» و «ولایت علوی» سرچشمه جوشش شعر شیعی و پدیدآمدن غدیریه‌های ماندگار است، اما در نگاهی وسیع‌تر، آنچه به مقوله‌هایی هم‌چون: اهل بیت، ولایت ائمه، محبت ذوی‌القربی، امامت علی ابن ابی‌طالب، فضایل و مناقب خاندان عصمت و مدایح و مراثی عترت پیامبر مرتبط باشد، به‌نوعی شعر شیعی محسوب می‌شود و این درون‌مایه‌ها به‌گسترده‌گی در ادبیات شیعه مطرح است. از آن‌جا که امامت امیرالمؤمنین (ع) نشان کمال دین و ارائه‌الگوی شایسته برای هدایت جامعه است، شاعران شیعی نیز همین جوهره ناب را در سروده‌های آئینی خویش بر محور ولایت مطرح کرده‌اند و فرهنگ غنی شعر شیعی را بنیاد نهاده‌اند. شعر شیعی هم مدیحه دارد هم مرثیه و حماسه، اما بارزترین شاخصه شعر شیعی پرداختن به مسئله امامت اهل بیت و هدایت‌گری خاندان عصمت و احیای یاد و نام آنان و بیان فضایل مکارمشان و بازگوکردن مظلومیت‌هاشان و افشای جنایات ظالمان به خاندان پاک حضرت رسول (ص) است. از این‌رو، در آئینه شعر شیعی و در رواق ادبیات ولایی و آئینی، تصویری از پاکی‌ها و فضیلت‌ها، مبارزات حق‌طلبانه، مظلومیت عترت، جلوه‌های حماسه عاشورا، و فرهنگ غدیر دیده می‌شود.

سیدحمیری از شعرای بزرگی است که در مورد غدیر اشعار بسیاری دارد. در دیوان او کم‌تر قصیده یا قطعه‌ای پیدا می‌شود که به غدیر خم و مسئله ولایت امام علی (ع) اشاره‌ای نکرده باشد. علامه امینی بیش از بیست غدیریه را در کتاب *الغدیر* آورده است که سیدحمیری در آن‌ها با صراحت تمام از غدیر می‌گوید و روز اکمال دین و اتمام نعمت و

کمال اسلام را بزرگ می‌دارد. او با شعر غدیر فقط واقعه را تصویر نمی‌کند، بلکه به تفسیر معرفت و تبیین حقیقت می‌پردازد. سیدحمیری در بیان واقعه غدیر از خدا و پیامبر و امام علی سخن می‌گوید، و شعرش زبان گویای حقیقت در مجرای زمان می‌شود. اکنون به برخی از چکامه‌های او اشاره می‌کنیم:

غداة يضمهم و هو الغدير	لقد سمعوا مقالته بخم
مقالة واحد و هم الكثير	فمن اولی بكم منكم فقالوا
بنا منا و أنت لنا نذير	جميعاً أنت مولانا و اولی
مقالة ناصح و هم حضور	فقال لهم علانية جهاراً
و مولاكم هو الهادي الوزير	فان وليكم بعدی علی
و من بعدی الخليفة و الأمير	وزیری فی الحياة و عند موتی
و قابله لدى الموت السرور	فوال الله من والاه منكم
و حلّ به لدى الموت النشور	و عاد الله من عاداه منكم

(همان: ۱۹۸)

در این ابیات سیدحمیری با اسلوب قصه یا حکایت ولایت امیرالمؤمنین (ع) را در ضمن حادثه غدیر به تصویر می‌کشد. او در بیت دوم این قصیده از صنعت تجاهل العارف برای مبالغه در مدح امام علی و اعلام صلاحیت ایشان برای ولایت استفاده کرده است، بدین شکل که پیامبر از مردم می‌پرسد: چه کسی از من نسبت به شما برای ولایت و سرپرستی تان شایسته‌تر است؟ همگی پاسخ دادند: تو ای رسول خدا؛ و با این پاسخشان پیامبر ولایت بعد از خود را به امیرالمؤمنین محول می‌کند. وی هم‌چنین در دو بیت آخر با استفاده از صنعت تلمیح به این حدیث از پیامبر اشاره می‌کند: «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲/۴). در واقع، سیدحمیری در بیان همه موضوعات مربوط به فضایل امام علی استادانه و با ظرافت از احادیث و روایات استمداد می‌طلبد و اشعار خود را با مژین ساختن به احادیث اهل بیت دل‌نشین‌تر می‌سازد.

مشابه همین مضمون در جای جای دیوان این شاعر شیعی به چشم می‌خورد:

یا بائع الدین بدنياه	لیس بهذا أمر الله
من أين أبغضت علی الوصی	و أحمد قد کان یرضاه
من الذی أحمد من بینهم	یوم غدیر الخم ناداه

أقامه من بين أصحابه و هم حوالبه فسماه
هذا على بن أبي طالب مولى لمن قد كنت مولاه
فوال من والاه يا ذا العلا و عاد من قد كان عاداه

(حمیری، بی تا: ۱۴۶)

در ابیات فوق، حمیری ضمن سرزنش کسانی که منکر ولایت علی (ع) هستند، واقعه غدیر و بالابردن دست علی (ع) را توسط پیامبر یادآوری کرده است و به حدیث معروف «من كنت مولاه فهذا علي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲/۴) اشاره می‌کند. آیات قرآن، چه به الفاظ و چه به معانی، حضور بارزی در اشعار این شاعر اهل بیت داشته است، به گونه‌ای که معانی و الفاظ قرآن کریم همواره بر زبان این شاعر جاری بود. او با به‌کارگیری مضامین و الفاظ قرآن در آثارش به اشعار خویش جلالت و فخامت بخشیده و به شکل‌های گوناگون از قرآن اقتباس کرده است. حمیری در ابیات زیر با استناد به قرآن کریم به واقعه غدیر و اعلام امامت علی (ع) اشاره کرده است و چنین می‌سراید:

ألم يسمعوا يوم الغدير مقاله يُؤمر خير الناس عوداً و معتصر
يقول ألا هذا ابن عمي و وارثي و أول من صلّى و أول من نصر
وليكم بعدى فوالوا وليه و كونوا لمن عادى عدواً لمن كفر

(حمیری، بی تا: ۲۵۴)

در ابیات فوق، سیدحمیری یکی از دلایل ولایت امام علی (ع) را سبقت ایشان در ایمان به خدا، اقامه نماز، و یاری و نصرت پیامبر (ص) در مواضع گوناگون اعلام می‌کند که آیات ۱۰-۱۲ سوره واقعه «و السابقون السابقون أولئك المقربون في جنات النعيم» تأییدی است بر این مطلب. در تفسیر این آیات از پیامبر آمده است که فرمود: «قال لي جبرئيل: ذلك علي و شيعته» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵/۲۵۳).

حمیری با ابیاتی دیگر، ولایت امیرالمؤمنین (ع) را این‌گونه به نظم درمی‌آورد:

قال إن الله قد خبرني في معاريض الكتاب المنزل
إنه أكمل ديناً قيماً بعلي بعد ان لم يكمل
وهو مولاكم فويل للذي يتولّى غير مولاه الولي

(حمیری، بی تا: ۳۴۰)

شاعر در این ابیات برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین (ع) به این آیه استناد می‌کند: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دیناً» (مائده: ۳). وی در این ابیات نیز صنعت تلمیح را به کار برده است و در بیت آخر با کاربرد کلماتی هم‌چون «مولی»، «یتولی»، «ولی»، که با هم جناس دارند، کلام خود را زیباتر ساخته است. مضامین بلند و عمیق سخنان پیامبر اکرم (ص) نیز همواره الهام‌بخش شاعر در سرودن این گونه ابیات بوده است:

کأنَّ له أخاً و امین غیب	علی الوحی المنزل حین یوحی
و کان لأحمد الهادی وزیراً	کما هارون کان وزیر موسی
وصی محمد و أبوبنیة	و أول ساجد لله صلّی

(حمیری، بی تا: ۶۳)

سیدحمیری در ابیات فوق به این سخن پیامبر اشاره دارد که در مورد امام علی (ع) فرمود: «أنت منی بمنزلة هارون من موسی إلا انه لا نبی بعدی» (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۶/۳؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱۰۶/۸). این سخن پیامبر، علاوه بر این که نشان‌دهنده اخوت بین ایشان و امام است، به خلافت و وصایت امام علی (ع) نیز اشاره می‌کند. ابیات زیر نیز برگرفته از همین حدیث شریف است:

علی أحب الناس إلا محمداً	إلی فـدعنی من ملامک أو لم
علی وصی المصطفی و ابن عمه	و أول من صلّی و وحّد فاعلم
و کان کهارون بن عمران عنده	من المصطفی موسی التّجیب المکّم
و أوجب يوماً بالغدیر ولاءه	علی کل برّ من فصیح و أعجم
لدى دوح خم أخذاً یبینه	ینادی مبیناً باسمه لم یجمجم
أما و الذی یهوی إلی رکن بیته	بشعث النواصی کل و جناء عبهم
یوافقین بالركبان من کل بلدة	لقد ضل یوم الدوح من لم یسلّم
و أوصی إلیه یوم ولّی بأمره	و میراث علم من عری الدین محکم

(حمیری، بی تا: ۱۶۸)

حافظ مرزبانی در اخبار السید گفته است:

سیدحمیری نسخه‌ای از این قصیده را برای عبدالله اباض، رهبر اباضیه، فرستاد؛ زیرا به وی

خبر داده بودند که عبدالله امام علی (ع) را نکوهش و سید را به جهت زمینه‌سازی قتلش به دست منصور تهدید کرده است. چون قصیده به دست پسر اباض رسید، سخت خشمناک شد و یاران خود را به جمع‌آوری فقها و قراء فرستاد. آنان گرد آمدند و به نزد منصور، که در کنار دجله بصره بود، رفتند و گزارش کار سید را به او دادند. منصور آنان و سید را احضار کرد و از دعوای آنان پرسید. گفتند: سید گذشتگان را دشنام می‌دهد و عقیده به رجعت دارد و امامت را از آن تو و خاندانت نمی‌داند. منصور گفت: مرا واگذارید و به آنچه در مورد خودتان است، بسنده کنید. سپس روی به سید کرد و گفت: درباره آن‌چه اینان گفتند، چه می‌گویید؟ گفت: من کسی را دشنام نمی‌دهم و بر اصحاب رسول (ص) رحمت می‌فرستم. اینک، این ابن اباض است، به او بگو: بر علی و عثمان و طلحه و زبیر رحمت فرستد. منصور به ابن اباض گفت: بر اینان درود بفرست. او ساعتی درنگ کرد، و منصور با چوب‌دستی که پیش رویش نهاده بود، او را زد و بیرون کرد و دستور داد به زندانش برند و سرانجام در زندان مرد. هم‌چنین منصور فرمان داد همه همراهان او را تازیانه زند و پانصد هزار درهم به سید دهند (مرزبانی، ۱۹۶۵: ۱۷۲-۱۷۳).

در ابیات زیر نیز شاعر برای اشاره به واقعه غدیر با صراحت به آیه تبلیغ استناد کرده است: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك و إن لم تفعل فما بلغت رسالته واللّه يعصمك من الناس إن الله لا يهدي القوم الكافرين» (مائده: ۶۷). این آیه درباره فضیلت علی ابن ابی طالب (ع) نازل شده است و چون این آیه نازل شد، پیامبر دست علی (ع) را گرفت و فرمود:

هرکه من مولای اویم، این علی مولای اوست، خدایا هرکه او را دوست می‌دارد، دوست بدار و هرکه او را دشمن می‌دارد، دشمن شمار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴/۱۱۲).

حمیری این واقعه را این‌گونه به‌نظم درآورده است:

نفسی فداء رسول الله يوم أتى	جبریل یأمر بالتبلیغ إعلاناً
إن لم تبّلع فما بلغت فانتصب	النبی ممتثلاً أمراً لمن دانا
و قال للناس من مولاکم قبلا	یوم الغدیر فقالوا أنت مولانا
أنت الرسول و نحن الشاهدون علی	أن قد نصحت و قد بینت تبیاناً
هذا ولیکم بعدی أمرت به	حتماً فکونوا له حزباً و أعواناً
هذا أبرکم برّاً و أکثرکم	علماً و أولکم بالله إیماناً
هذا له قربة منی و منزلة	کانت لهارون من موسی بن عمراناً

(حمیری، بی تا: ۱۰۹)

وی در جای دیگر همین مضمون را این گونه به تصویر می کشد:

أُتِيَ جَبْرِئِيلُ وَ النَّبِيُّ بَضْحَاةَ	فَقَالَ أَقِمَّ وَ النَّاسَ فِي الْوَحْدِ تَمَحْنِ
وَ بَلَّغْ وَ إِلَّا لَمْ تَبَلِّغْ رِسَالَةَ	فَحَطَّ وَ حَطَّ النَّاسُ ثَمَّ وَ وَطَّنُوا
عَلَى شَجَرَاتٍ فِي الْغَدِيرِ تَقَادَمَتْ	فَقَامَ عَلَيَّ رَحْلُ يَنَادِي وَ يَعْلَنُ
وَ قَالَ أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ مِنْكُمْ	فَمَوْلَاهُ مِنْ بَعْدِي عَلَيَّ فَأَذْعَنُوا

(همان: ۱۰۶)

شاعر در ابیات زیر نیز مضمون فوق را با استناد به آیه ۷ سوره رعد، «إنما أنت منذر و لكل قوم هاد»، آورده است. معصومین (ع) در تفسیر این آیه، مصداق «منذر» را رسول خدا و مصداق «هاد» را امام علی (ع) معرفی کرده اند (قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۳۶۰).

وَ بَخْمٍ أَذْ قَالَ إِلَٰهَهُ بَعْزَمَهُ	قَمِّ يَا مُحَمَّدُ فِي الْبَرِيَةِ فَاخْطُبْ
وَ انْصَبْ أَبَا حَسَنِ لِقَوْمِكَ إِنَّهُ	هَادٌ وَ مَا بَلَغْتَ إِنْ لَمْ تَنْصَبْ
فَدَعَاهُ ثَمَّ دَعَاهُمْ فَأَقَامَهُ	لَهُمْ فَبَيْنَ مُصَدِّقٍ وَ مُكَذِّبِ
جَعَلَ الْوَالِيَةَ بَعْدَهُ لِمَهْذَبِ	مَا كَانَ يَجْعَلُهَا لِغَيْرِ مَهْذَبِ

(حمیری، بی تا: ۱۴۳)

این قصیده ۱۱۲ بیت دارد و مُدَّهَبُهُ نامیده می شود. سید و بزرگ شیعه، شریف مرتضی، آن را شرح کرده و در ۱۳۱۳ق در مصر چاپ شده است. وی در شرح بیت «و انصب أبا حسن لقومك إنه / هاد و ما بلغت إن لم تنصب» گفته است که این لفظ، یعنی لفظ (نصب) که در بیت بالا آمده است، جز در مورد امامت و خلافت شایسته استعمال نیست و نیز این سخن شاعر که می گوید: «جعل الولاية بعده لمهذب» در امامت صراحت دارد، زیرا آن چه پس از پیغمبر به علی و اگذار شده است، امامت است که محبت و نصرت در جال حاصل بوده و اختصاص به پس از وفات ندارد (امینی، بی تا: ۲ / ۲۱۴).

سیدحمیری در غدیریه ای پدرش محمد بن یزید را به مذهب تشیع و ولایت امام علی (ع) دعوت می کند و می گوید:

خَفِّ يَا مُحَمَّدُ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ	وَ أزلِ فسادَ الدِّينِ بِالْإِصْلَاحِ
أَتَسبِّ صَنُو مُحَمَّدٍ وَ وَصِيهِ	تَرْجُو بِنْدَاكِ الْفَوْزَ بِالْإِنْجَاحِ

هیئات قد بعدا علیک و قرباً
منک العذاب و قابض الأرواح
أوصی النبی له بخیر وصیة
یوم الغدیر بأین الإفصاح
من کنت مولاه فهذا واعلموا
مولاه قول إشاعة و صراح
قاضی الدیون و مرشد لکم کما
قد کنت أرشد من هدی و فلاح

(همان: ۳۱)

حضرت نبی اکرم (ص) بعد از ابلاغ رسالت خطیر ولایت امام علی (ع)، رو به آسمان کرد و دیدگان مبارکش آسمانی شد و در حضور خالق یکتا در حق علی و محبان او دعا و دشمنان او را لعن و نفرین کرد و خدای را حمد و سپاس گزارد برای منت عظیمی که بر ایشان نهاد تا این امر مهم را تمام و کمال تبیین و ابلاغ کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹/ ۲۶۱).

حمیری در ابیات زیر به حدیث نبوی «أصحابی کالنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم» (النباطی، ۱۳۸۴: ۳/ ۱۴۶) استناد کرده است و چنین می‌سراید:

علی آل الرسول و أقریبه
سلام کما سجع الحمام
ألیسوا فی السماء و هم نجوم
و هم أعلام عز لا یرام
فیا من قد تحیر فی ضلال
أمیر المؤمنین هو الإمام
رسول الله یوم غدیر خمّ
أناف به و قد حضر الأنام

(حمیری، بی تا: ۹۱)

او با اقتباس از حدیث فوق اصحاب پیامبر و در رأس آنان حضرت علی (ع)، را ستارگان آسمان هدایت و اعلام جاودان عزت معرفی می‌کند و به افرادی که در پذیرش ولایت علی (ع) دچار تردید شده‌اند، نهیب می‌زند تا آنان را آگاه سازد که امیرالمؤمنین امام و جانشین پیامبر است و دلیل می‌آورد که رسول خدا (ص) در روز غدیر خم و در حضور مردم، دستان او را به نشانه اعلام ولایت آن حضرت بالا برده است.

در اشعار زیر نیز شاعر با بیانی دیگر همین مضامین را متذکر شده است:

منحت الهوی المحض منی الوصیاً
ولا أمنح الودّ إلا علیاً
دعانی النبی علیه السلام
إلی حبّه فأجبت النبیاً
فعادیست فیّه و والیته
و کنت لمولاه فیّه ولیاً
أقام بخمّ بحیث الغدیر
فقال فأسمع صوتاً ندیا

ألا إذا ماتت مولاكم فافهمه العرب والأعجميا

(همان: ۱۲۱)

حمیری در برخی از اشعار خود، پذیرش ولایت علی را عین هدایت و نپذیرفتن آن را عین ضلالت و گمراهی معرفی می‌کند:

إذا أنا لم أحفظ وصاة محمد و لا عهدہ یوم الغدیر المؤکدا
فإني كمن يشرى الضلالة بالهدى تنصّر من بعد الهدى أو تهودا

(همان: ۱۲۸)

از این قصیده ۲۵ بیت در دست است. ابوالفرج در *غانی* آورده است که ابوخلال عتکی بر عقبه بن سالم وارد شد و سید در نزد عقبه بود. وی فرمان جایزه‌ای برای سید داد. ابوخلال، که شیخ و بزرگ قوم بود، به او گفت: ای امیر، این عطایا را به مردی می‌دهی که از لعن ابوبکر و عمر باک ندارد؟ عقبه گفت: من این را نمی‌دانستم و بخشش من جز به سبب خویشاوندی و مودت پیشین و رعایت حق همسایگی او نیست؛ علاوه بر این، او دل به مهر خاندانی بسته است که حق و جانب‌داری آنان بر ما لازم است. ابوخلال گفت: اگر او راست گو است، بگو ابوبکر و عمر را مدح کند تا برائت او را از نسبت تشیعی که به وی می‌دهند، بازشناسیم، عقبه گفت: او خود سخن تو را شنید و اگر بخواهد چنین می‌کند. سید گفت: آن‌گاه که من وصیت محمد و پیمان استوار او را در روز غدیر نگه ندارم ... سپس خشمناک از جا برخاست. ابوخلال به عقبه گفت: ای امیر، مرا از شر سید پناه ده، خدا تو را از هر شری پناه دهد، عقبه گفت: چنین کردم به شرط آن‌که تو نیز پس از این متعرض وی نشوی (اصفهان‌ی، بی تا: ۲۶۲).

اشعار زیر برگرفته از حدیث پیامبر اکرم (ص) در ارتباط با علی (ع) است که فرمود: «إن علیاً هو أخی و هو وزیری و هو خلیفتی و هو المبلغ عنی» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۶/۲۷). در این ارتباط احادیث بسیاری از پیامبر اکرم (ص) آمده است که اشعار شاعر نشان‌دهنده احاطه کامل وی بر آن‌هاست.

یوم قام النبى فى ظل دوح و الوری فی ودیقة صیخود
رافعاً کفّه بیمنی یدیه بائحاً باسمة بصوت مدید
أیها المسلمون هذا خلیلی و وزیری و وارثی و عقیدی
و ابن عمی ألا فمن كنت مولا فلهذا مولاہ فارعوا عهودی

و علیّ منی بمنزلة هارون بن عمران من أخیه الودود

(حمیری، بی تا: ۱۵۴)

اشعار زیر آیینۀ انعکاس احادیث بسیاری است که به مواردی از آن‌ها در این پژوهش اشاره شده است و برای حسن ختام مطلب به حدیثی از خود امیر غدیر، امام علی (ع)، اشاره می‌کنیم که فرمود «أنا حجة الله و أنا خليفة الله و أنا صراط الله و أنا باب الله و أنا خازن علم الله» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۳۹، ۳۳۵) و حمیری نیز مبتکرانه مفهوم و نیز الفاظ این حدیث شریف را در اشعار زیر به کار گرفته است تا با قاطعیت بیش‌تری واقعه غدیر را به تصویر کشد:

أشهد بالله و آلائه	و المرء عما قاله يسأل
أن علی بن أبی طالب	خليفة الله الذی يعدل
و أنه قد كان من أحمد	كمثل هارون و لا مرسل
لكن وصی خازن عنده	علم من الله به يعمل
قد قام يوم الدوح خیر الوری	بوجهه للناس يستقبل
وقال من قد كنت مولی له	فذاله مولی لكم مؤئل
لكن تواصلوا بعلی الهدی	أن لا یوالوه و أن یخذلوا

(حمیری، بی تا: ۸۰)

نتیجه گیری

ادبیات هر ملت آیینۀ تمام‌نمای فرهنگ و عقاید آن ملت است. کلماتی که به‌عنوان ادبیات یک قوم بر جای می‌ماند، چه شفاهی و چه مکتوب، بیان‌گر عقایدی است که آن قوم با آن عقاید زیسته‌اند و آن را در قالب سخنانی برای نسل‌های بعد به یادگار گذاشته‌اند و حضور مسئله‌ای در ادبیات هر زمانی نشانه مطرح‌بودن آن است و غدیر در همه قرن‌ها در ادب و فرهنگ مردم حضور داشته و از موضوع‌هایی بوده است که شاعران و سرایندگان اندیشمند و چیره‌دست از مذاهب گوناگون، به‌ویژه شاعران شیعی، درباره آن قصیده‌هایی زیبا و دل‌انگیز سروده‌اند.

از عناصر اصلی شعر شیعی، تعهد و موضع‌گیری درمقابل ظلم و ستم است. سیدحمیری از جمله شعرای اهل بیت است که گرایش‌های سیاسی و عقیدتی در اشعارش هویدا است. وی از ذوق و قریحۀ ناب خود بهره گرفته است و چکامه‌های زیبا و ماندگاری

در توصیف مقام شامخ و فضایل اخلاقی امام علی (ع)، به‌ویژه واقعه غدیر، از خود به یادگار گذاشته است. او در موارد متعددی از آیات قرآن کریم، که در شأن ایشان نازل شده، و احادیثی که رسول اکرم (ص) در منقبت امام فرموده اقتباس کرده است؛ چراکه قرآن کریم از آغاز نزول تاکنون به سبب و حیانی بودن و نیز برخوردارگی از جمال لفظی و معنوی و صف‌ناپذیر همواره الگوی بسیاری از شاعران و ادیبان بوده است. سیدحمیری نیز، که با فرهنگ و معارف اسلامی همدم بوده، به گونه‌ای بارز دست‌مایه هنرش را با آیات قرآنی غنایی خاص بخشیده است. شعر این شاعر بزرگ شیعی، شعری سرشار از واژه‌های دینی و قرآنی بوده و تجلی‌بخش بسیاری از مضامین اعتقادی و اخلاقی قرآن کریم و سنت نبوی است و بهترین شاهد و مصداق برای اثبات اثرپذیری شاعران عرب از قرآن کریم در همه ادوار به‌شمار می‌رود.

با نگاهی گذرا به ادبیات عرب، چه در عرصه شعر و چه در عرصه نثر، درمی‌یابیم که در میان وقایع اسلام، تنها واقعه غدیر است که از همان لحظات وقوع، قطعه شعری به‌عنوان سند دائمی ضمیمه آن است. شعر با وزن و قافیه‌ای که دارد مدرک ماندگاری در پرونده غدیر است که سینه‌به‌سینه حفظ شده و با توجه به اهمیت ادبی آن در کتاب‌ها ثبت شده است. *غدیریات* حمیری نیز در زمره بهترین اشعار سیدحمیری است. وی با بیت‌بیت این اشعار، حقانیت علی و خاندانش را یادآوری کرده و منکران آفتاب آسمان ولایت را به زانو درآورده است. او از جمله شعرای شیعی است که پاسخ‌گوی ندای فطرت خود بوده و واژه‌هایی را در اشعار خود به کار برده که بیان‌گر ایمان و عقیده‌ی راسخ اوست و تمام توانایی و استعداد شعری خویش را وقف به‌تصویرکشیدن واقعه غدیر و ستایش امام علی (ع) و دیگر اهل بیت کرده و به‌حق نیز در این مسیر موفق بوده است.

منابع

قرآن کریم.

ابن اثیر، علی بن محمد (بی‌تا). *أسد الغابة*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی‌تا). *المناقب*، تهران: فردین.

ابن معتر، عبدالله بن محمد (۲۰۰۲ م). *طبقات الشعراء*، بیروت: دار مکتبه هلال.

اصفهان‌ی، ابوالفرج علی بن حسین (بی‌تا). *الآغانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

امینی، علامه عبدالحسین (بی‌تا). *الغدیر*، تهران: حیدری.

- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
- حسین، طه (۱۹۸۲م). من تاریخ الادب العربی، العصر العباسی الاول، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حمیری، سیداسماعیل (بی تا). دیوان السید الحمیری، بیروت: دار مکتبه الحیاة.
- قمی، عباس (بی تا). سفینه البحار، تهران: مؤسسه انتشاراتی فراهانی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش). تفسیر قمی، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش). الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- اللکهنوی، هادی (۲۰۰۸م). الموجة الکوتریة فی شرح القصیة الحمیریة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- المرزبانی، محمد بن عمران (۱۴۱۳ق). اخبار الشعراء الشیعة، نجف: النعمان.
- المرزبانی، محمد بن عمران (۱۹۶۵م). اخبار السید الحمیری، تحقیق: محمدهادی الأمینی، نجف: دارالباقر.
- موحد، حاج خلیل (۱۳۸۴ش). شرح قصیة سید حمیری، قم: حضور.
- النباطی، علی بن یونس (۱۳۸۴ش). الصراط المستقیم، نجف: المکتبة الحیدریة.